یکشنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۹۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

گروه‌های تروریستی از روش‌های گوناگون تسلیحات به دست آورده‌اند

گروهک‌های شبه‌نظامی یا ارتش تبهکاران؟

حانیه قاسمیان
خبرنگار گروه جهان‌شهر

شاید اگر در سال‌های اخیر از نزدیک تحولات میدانی سوریه را پیگیری نکرده باشید، به‌ویژه با بازگشت سوریه به رهبری بشار اسد به اتحادیه عرب و تلاش‌های بین‌المللی برای بازگرداندن دولت او به جامعه جهانی، تصور می‌کردید اوضاع در دمشق به ثبات رسیده است و گروه‌های تروریستی تحت نظارت ترکیه طبق توافق آستانه در مارس ۲۰۲۰، تنها در استان ادلب متمرکز شده‌اند. این تصورات زمانی تغییر کرد که عملیات موسوم به «ردع العدوان» در ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴ توسط گروه‌های تروریستی-سلفی سوری آغاز شد. این گروه‌ها اعلام کردند هدف از این عملیات، وارد کردن آنچه که آن را «ضربه پیش‌دستانه» به نیروهای دولت سوریه می‌خوانند، بوده است. این عملیات، نخستین شکستن خطوط تماس میان دو طرف از زمان توافق «ترکی-روسی» محسوب می‌شود.

چیزی که بیشتر شگفت‌انگیز بود، سرعت پیشرفت و گسترش سیطره گروه‌های مخالف بر روستاها و شهرهایی بود که پیش‌تر تحت کنترل دولت قرار داشتند. طبق خبرهای منتشر شده، این کار بدون مقاومت جدی ارتش سوریه انجام پذیرفت. طی سه روز از آغاز عملیات، تروریست‌ها و متحدانشان به استان حلب رسیدند و بدون درگیری آن را تصرف کردند. سپس تمرکز عملیات به استان حماه معطوف شد، جایی که این گزارش به آن پرداخته است. از آغاز حمله سلفی‌ها به مناطق تحت کنترل دولت سوریه، پرسش مهمی مطرح شد؛ اتاق عملیات فتح‌المبین، اتحاد گروهک‌های سلفی-تکفیری، فراتر از یک اتحاد شبه‌نظامی عملیات می‌کرد و تجهیزات، سازمان نظامی و لجستیکی آنها بیشتر شبیه یک ارتش مجهز بود. اینکه این گروهک‌ها چگونه از گروهک نظامی به ارتش سلفی‌ها تبدیل شدند، پرسشی است که در این گزارش به آن پرداخته شده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت ائتلاف گروهک‌های تبهکار سلفی در سال‌های پس از توافق آستانه، با دستبرد به زرادخانه‌های ارتش سوریه تا دریافت کمک‌های مالی و لجستیکی از ترکیه و ناتو، حالا به یک ارتش مجهز تبدیل شده است.

سلاح‌های مخالفان

از سال ۲۰۱۳ به بعد، دیگر نمی‌توان گروه‌های تروریست یا سلفی-سوری را گروه‌هایی با سلاح‌های سبک توصیف کرد. بسیاری از این گروه‌ها از سوی ترکیه به سلاح‌هایی چون تیربارهای سنگین، موشک‌های ضدهوایی، خمپاره و انواع تفنگ‌های مختلف مجهز شده‌اند. آن‌ها همچنین تانک‌ها و خودروهای جنگی پیاده‌نظام را که عمدتا از انبارهای دولتی به دست آورده‌اند، در اختیار دارند. روند به‌دست آوردن سلاح‌ها به این شکل است که هر بار گروه‌های تروریستی-سلفی منطقه‌ای را تصرف می‌کنند، احتمالا به تسلیحات بیشتری دست پیدا می‌کنند. اما این تنها راه تامین تسلیحات برای این گروه‌ها نیست. حمایت گسترده خارجی نیز نقشی غیرقابل انکار در تجهیز آنها دارد. در کنار این عوامل، به ادعای شبکه سوریا الیوم (شبکه موسوم به معارضان سلفی سوری) مهم‌ترین و پایدارترین منبع تامین تسلیحات، تولید محلی است که به‌عنوان ستون اصلی تامین تجهیزات جنگی با افزایش تعداد تروریست‌ها و پیش‌بینی طولانی شدن نبردها عمل می‌کند.

کارگاه‌های تولید سلاح متعلق به گروه‌های تروریستی بارها شناسایی شده‌اند که در آنها تجهیزاتی مانند اتصال زره‌های محافظ و تیربارها به خودروها، تولید مخروط‌های خمپاره، مخلوط کردن مواد منفجره به صورت دستی و ساخت نارنجک‌ها و بمب‌های دست‌ساز محلی تولید می‌شود.

در حملات اخیر، تروریست‌ها از انواع مختلف تسلیحات استفاده کردند که در ویدئوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، به‌وضوح دیده می‌شود. از جمله این سلاح‌ها، می‌توان به تفنگ‌های هجومی «ای‌کی-۴۷» (AK-۴۷) و «ام-۱۶» (M۱۶)، تیربارهایی مانند «پی‌کا» که ویژگی‌هایی از کلاشینکف، دوشکا و تیربار گرنیگف را در خود دارد و تفنگ‌های تک‌تیرانداز از دوران شوروی، اشاره کرد. علاوه‌بر سلاح‌های محلی، یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در این زمینه، توسعه تیپ‌های شاهین برای استفاده از پهپادها بوده که تا به امروز نقش قابل توجهی در تغییر قواعد درگیری و تسریع در تصرف مناطق تحت کنترل دولت رسمی سوریه ایفا کرده‌اند.

جنگ پهپادها و گردان‌های شاهین

از آغاز عملیات موسوم به «ردع العدوان» به‌وضوح مشخص بود گروه‌های تروریستی از پهپادها به‌طور هدفمند استفاده کرده‌اند؛ از جمله هدف قرار دادن بالگردهای متعلق به دولت سوریه در فرودگاه نیرب حلب، به شهادت رساندن فرمانده امنیت نظامی استان حماه و حمله به مقرهای حساس، تجهیزات نظامی و تجمعات نیروهای دولتی سوریه.

با نگاهی کلی‌تر، می‌توان پهپادهای مورد استفاده این گروه‌ها را به دو دسته اصلی تقسیم کرد. نوع اول، پهپادهای تجاری آماده برای مأموریت‌های شناسایی هستند که با قیمت‌های نسبتا ارزان در بازار موجودند و بهره‌برداری از آنها آسان است. این ویژگی به گروه‌های تروریستی شبه‌نظامی کمک می‌کند تا اطلاعات شناسایی درباره مکان‌ها و تحرکات دشمن جمع‌آوری کنند. در برخی موارد، این پهپادهای تجاری برای حمل دستگاه‌های انفجاری کوچک تغییر داده شده‌اند تا روی اهداف انداخته شوند، که این قابلیت توانایی حمله محدود را فراهم می‌کند. در این زمینه، از ویدئوهای موجود به‌نظر می‌رسد گروه‌های مخالف توانسته‌اند توانایی ساخت پهپادهای خود را توسعه دهند. این پهپادها همچنان ابتدایی‌تر از نسخه‌های پیشرفته جهانی هستند اما متناسب با نیازهای عملیاتی مشخص طراحی شده‌اند. این موضوع چندان جدید یا تعجب‌آور نیست. در آگوست ۲۰۲۴، گروه موسوم به «ارتش آزاد سوریه» در یک مانور آموزشی پهپادهای انتحاری تولیدشده در داخل را به نمایش گذاشت. این پهپادها عمدتا برای خرابکاری و ایجاد انحراف استفاده شدند و اثربخشی آنها هنگام به‌کارگیری در تعداد زیاد در امتداد خطوط درگیری افزایش می‌یابد. این پهپادها همچنین در نبرد فعلی برای هدف قرار دادن بالگردهای ارتش سوریه مورد استفاده قرار گرفتند. کارشناسان نظامی این پهپادهای جدید توسعه‌یافته در دست سلفی‌ها را پیشرفته‌تر از آن می‌دانند که توسط خود آنها طراحی و ساخته شده باشد. به گواهی یوسف موسی، روزنامه‌نگار عرب، ردپای کمک‌های لجستیکی گسترده کشورهای ناتو به‌ویژه ترکیه در ساخت و توسعه این پهپادها دیده می‌شود.

در برابر تانک‌ها

یکی از برجسته‌ترین سلاح‌هایی که گروه‌های مخالف استفاده کرده‌اند و تاثیر زیادی بر روند نبردها داشته، موشک «بی‌جی‌ام-۷۱ تاو» (TOW ۷۱-BGM) است که به آنها امکان داده وسایل نقلیه زرهی و استحکامات را هدف قرار دهند. موشک «بی‌جی‌ام-۷۱ تاو» یک موشک هدایت‌شونده ضدزره ساخت آمریکا است که عمدتا برای خنثی کردن تهدیدات زرهی، از جمله تانک‌ها و وسایل نقلیه جنگی پیاده‌نظام، استفاده می‌شود. این سلاح جدید نیست و از دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد خدمت شده است. این موشک به دلیل قابلیت اعتماد، سادگی و کارآمدی، سلاحی موثر برای نیروهای نظامی در سراسر جهان محسوب می‌شود. این نوع موشک با استفاده از سیستم هدایت بصری توسط کاربر به‌سمت هدف هدایت می‌شود و با کمک سیم نازکی که موشک را به پرتابگر متصل می‌کند، هدایت در لحظه انجام می‌شود. پرتابگر این موشک می‌تواند روی وسایل نقلیه، بالگردها یا سه‌پایه‌های قابل حمل برای استفاده پیاده‌نظام نصب شود. این پرتابگر دارای قابلیت استفاده از انواع مختلف سرجنگی است، از جمله سرجنگی‌های ضدزره انفجاری قوی (HEAT)، سرجنگی‌های نفوذگر به استحکامات و سرجنگی‌های دارای شارژ دوتایی برای نفوذ به زره‌های واکنشی. این موشک برد موثری حدود ۳۷۵۰ متر دارد. با سرعتی نزدیک به ۳۰۰ متر در ثانیه، این موشک می‌تواند مزایای تاکتیکی قابل توجهی برای نیروهای غیرمنظم فراهم کند، زیرا قادر است تانک‌ها و وسایل نقلیه زرهی را که به‌مراتب گران‌تر از خود هستند، خنثی کند. این سلاح همچنین آسان برای استفاده، سریع و قابل حمل است و به‌راحتی می‌تواند با تغییر مکان پرتاب از هدف‌گیری توسط هواپیماها جلوگیری کند؛ ویژگی‌هایی که نیروهای غیرمنظم برای فرار از حملات هوایی به آن نیاز دارند. این موضوع در چهارچوب یک زرادخانه بزرگ سلاح‌های هدایت‌شونده ضدزره قرار می‌گیرد که از آغاز جنگ به دست گروه‌های تروریستی رسیده است. ارتش سوریه ذخایر زیادی از این نوع سلاح‌ها را که طی چندین دهه در پایگاه‌های نظامی سراسر سوریه انباشته شده بود، در اختیار داشت. به‌دلیل اینکه ارتش سوریه عمدتا مبتنی بر سربازگیری اجباری بود و انسجام مالی یا سازمانی بالایی نداشت، نیروهای سلفی توانستند به‌سرعت به افرادی دست یابند که در استفاده از موشک‌های ضدزره آموزش دیده بودند. این تعداد متخصص با انشعابات نظامی افزایش یافته است.

اسلحه‌های ضدهواپیما

علاوه‌بر اسلحه‌های ضدتانک، گروه‌های تروریستی از سیستم‌های دفاع هوایی قابل حمل (MANPADS) استفاده کرده‌اند، که این سیستم‌ها موشک‌های سطح به هوا هستند که از شانه شلیک می‌شوند و برای هدف قرار دادن و خنثی کردن هواپیماهایی که در ارتفاع کم پرواز می‌کنند، مانند هلی‌کوپترها و پهپادها، طراحی شده‌اند. این تهدیدات برای نیروهای مخالف بسیار مهم است، زیرا آنها نیروی هوایی ندارند. این سیستم‌ها سبک، قابل حمل و موثر در طیف وسیعی از سناریوهای نبردند، به‌ویژه نسخه‌هایی که حرارت موتورهای هواپیما را از طریق رصد اشعه مادون قرمز دنبال می‌کنند، درحالی‌که نسخه‌های دیگر با لیزر هدفگیری می‌کنند. این سیستم‌ها در سراسر سوریه پخش شده‌اند که به دلیل ترکیبی از کنترل انبارهای دولتی و تامین منابع از طرف‌های خارجی بوده است. اولین شواهد تصویری از وجود آنها در اینترنت در آگوست ۲۰۱۲ ظاهر شد، زمانی که گروه‌های مخالف بر انبارهای نظامی دولتی تسلط پیدا کردند.

اکنون بسیاری از این سیستم‌ها توسط گروه‌های تروریستی برای هدف قرار دادن حملات هوایی ارتش سوریه استفاده می‌شوند. گروه‌ها به دلایل مشابهی که به اسلحه‌های ضدتانک مانند «بی‌جی‌ام-۷۱ تاو» یا «آر‌پی‌جی ۷» علاقه دارند، به این سیستم‌ها توجه دارند. این دلایل شامل سهولت حمل، استفاده و جابه‌جایی آنهاست که در عملیات‌های جابه‌جایی دائم به آنها کمک می‌کند، همچنین با استفاده از قطعات ارزان‌قیمت به هدف قرار دادن تجهیزات گران‌قیمت، تلفات بزرگی به ارتش وارد می‌کنند.

اسلحه‌های سنگین

گروه‌های سلفی معارض تنها به ذخایر موجود خود اکتفا نکرده‌اند، به‌طوری‌که ویدئوهای مربوط به حملات اخیر نشان می‌دهند این گروه‌ها توانسته‌اند سیستم‌های دفاع هوایی پیشرفته‌تری همچون «پانتسیر اس-۱» (Pantsir-S۱)، یک سیستم موشکی و توپخانه ضدهواپیما خودرویی روسی مدرن، و «زی‌یو-۲۳-۴ شیلکا» (Shilka ۴-۲۳-ZU)، یک خودروی جنگی زرهی ضدهواپیما و ضدپیاده‌نظام ساخته‌شده به‌وسیله شوروی را تصرف کنند. علاوه‌بر این‌ها، سیستم‌های قابل حمل دیگری چون «استریلا-۱۰» و «استریلا-۲» نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. این سیستم‌ها توسط گروه‌های تروریستی پس از تسلط بر مناطقی مانند پایگاه هوایی کویرس در استان حلب به دست آمده‌اند، جایی که آنها همچنین کنترل تجهیزات رادیویی و احتمالا ایستگاه‌های راداری یا ارتباطی را به دست آوردند. تصرف سیستم‌های دفاع هوایی برای گروه‌های تروریستی بسیار مهم است و یکی از اهداف اصلی عملیات‌های آن‌هاست، زیرا همواره در معرض حملات هوایی از سوی دولت و نیروهای روسیه قرار دارند که منجر به تلفات سنگینی می‌شود. علاوه‌بر سیستم‌های دفاع هوایی، تروریست‌ها به دنبال دسترسی به تسلیحات سنگین مانند تانک‌های «T-۵۵» و «T-۷۲» هستند. این تانک‌ها توسط شوروی طراحی شده‌اند و به‌طور گسترده‌ای در درگیری‌های جهانی از جمله جنگ سوریه استفاده می‌شوند. معمولا تانک «T-۵۵» در نقش‌های ثانویه استفاده می‌شود به دلیل زره و قدرت آتش قدیمی‌تر آن، اما تانک «T-۷۲» همچنان در خط مقدم قرار دارد و معمولا با زره اضافی تجهیز می‌شود. علاوه‌بر این، برخی گروه‌های مخالف دارای وسایل نقلیه جنگی پیاده‌نظام از نوع «BMP-۱» و «BMP-۲» هستند. این‌ها وسایل نقلیه زرهی با حفاظت متوسط (برای محافظت در برابر گلوله‌ها) هستند که برای حمل سربازان در نبردها استفاده می‌شوند و دارای توپ‌های ۳۰ یا ۷۳ میلی‌متری برای مبارزه‌اند. این وسایل نقلیه به‌طور معمول با زره‌های اضافی برای محافظت از پیاده‌نظام تجهیز شده‌اند و در نبردها با تانک‌ها برای حمایت از پیشروی پیاده‌نظام استفاده می‌شوند.

همچنین گروه‌های تروریستی با کمک ترکیه خودروهای زرهی بومی ساخته‌اند، مانند «شام ۲»، که از صفحات فولادی روی بدنه یک کامیون ساخته شده و با سلاح‌های اتوماتیک مجهز است و حفاظت اولیه‌ای در برابر آتش سلاح‌های سبک ارائه می‌دهد. همچنین کامیون‌های «پیکاپ» و سایر وسایل نقلیه مدنی به‌طور غیررسمی برای نصب سلاح‌های سنگین مانند مسلسل‌ها، توپ‌های خودکار ضدهواپیما و تفنگ‌های بدون ارتجاع اصلاح شده‌اند. این وسایل نقلیه قدرت حرکت و آتش را فراهم می‌کنند، هرچند که حفاظت زرهی محدودی دارند.

تاکتیک‌های مختلف

این تنوع در اسلحه‌ها به گروه‌های سلفی کمک کرده تا در شرایطی که دولت سوریه به‌علت تحریم‌های قیصر و دیگر دلایل ژئوپلیتیک ضعف واضحی دارد، تاکتیک‌های تهاجمی موثری بسازند. یکی از تاکتیک‌های تروریست‌ها این است که تاسیسات مهم دولتی را محاصره کرده و آنها را ایزوله کرده و بمباران کنند و درنهایت پس از فرسایش توان دفاعی آنها، به این تاسیسات حمله کنند. در این زمینه، تروریست‌ها از توپخانه‌های کوتاه‌برد و خمپاره‌ها به‌همراه سلاح‌های سبک و نارنجک‌ها بهره می‌برند. همچنین تسلط بر برخی مناطق باعث می‌شود مناطق و موقعیت‌های دیگر به‌طور داوطلبانه از سوی نیروهای دولت تخلیه شوند که این به گروه‌های مخالف امکان می‌دهد که بسیاری از موقعیت‌ها را بدون درگیری تصرف کنند.

یکی دیگر از تاکتیک‌های گروه‌های مخالف حمله مکرر به کمین‌ها، ایست‌های بازرسی و سایت‌های متعلق به دولت است؛ جایی که سلاح‌های سنگین می‌توانند این اقدامات را تسهیل کنند. تانک‌ها و خودروهای زرهی قادر به نفوذ در زمینند که به تسریع تصرف مناطق و کاهش تلفات در صفوف جنگجویان کمک می‌کند. از نظر دفاعی، سلاح‌های سنگین به گروه‌های مخالف کمک کرده‌اند تا حملات دولت را دفع کرده و هزینه‌های آنها در نفرات و تجهیزات را افزایش دهند.

چالش‌ها در حفظ و کنترل مناطق

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های امروز این است که آیا گروه‌های مخالف می‌توانند مناطق وسیعی را که تصرف کرده‌اند حفظ کنند و تاکتیک‌های دفاعی و حفاظتی بسازند؟ همان‌طور که در علوم نظامی معروف است، دسترسی به یک منطقه چیزی است، ولی توانایی باقی ماندن و کنترل آن منطقه امر دیگری است. گسترش مناطق تحت کنترل گروه‌های سلفی فشار زیادی بر میزان تروریست‌ها و تجهیزات مورد نیاز برای کنترل این مناطق وارد می‌آورد، زیرا هرگونه شکاف در این مناطق می‌تواند برای ضدحمله‌های دولت رسمی سوریه مورد استفاده قرار گیرد. هرچند توانایی هوایی دولت‌های سوریه و روسیه کاهش یافته اما این معطوف به تسریع گسترش گروه‌های سلفی در سوریه نمی‌شود و به همین دلیل، نمی‌توان پیش‌بینی دقیقی از نتیجه نبردهای جاری داشت.

در هر صورت، پیشروی‌های میدانی تا به امروز تغییرات اساسی در ماهیت درگیری‌ها در جغرافیای سوریه ایجاد کرده که بر منطقه- که در حال حاضر داغ است- قطعا تاثیر خواهد گذاشت. این تغییرات به‌ویژه با مشارکت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی که منافع متناقض دارند، می‌تواند موجب بازتعریف مناطق نفوذ در مرزهایی متفاوت از آنچه در سال‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم، شود یا ممکن است شرایط به‌طور غیرمنتظره‌ای پیش رود.

گرجستان با شورش مخالفان غربگرا روزهای سرنوشت‌سازی را می‌گذراند

تلاش برای تکرار یورومیدان در تفلیس

مهدی سیف تبریزی
پژوهشگر مسائل بین‌الملل

در خیابان «روستاولی» تفلیس، پایتخت گرجستان بوی توطئه‌ای از جنس وقایع شوم کی‌یف، پایتخت اوکراین در سال ۲۰۱۴، به مشام می‌رسد. علی‌رغم برخی ابهامات در سیاست خارجی دولت آینده ایالات‌متحده در قفقاز جنوبی، هیچ شکی وجود نداشت که غرب قاطعانه با تحولات مسالمت‌آمیز سیاسی در گرجستان مخالف است.

چندین هفته از اعلام نتایج انتخابات پارلمانی گرجستان که با پیروزی حزب حاکم، یعنی رویای گرجستان، به پایان رسیده، می‌گذرد اما شبیه به تمام انتخابات‌های برگزارشده در حوزه کشورهای جداشده از شوروی سابق، اشکالاتی از سوی نهادهای غربی به این انتخابات وارد شده است. همانند همیشه اگر طرفداران غرب در این انتخابات‌ها پیروز نشوند به زعم رسانه‌ها و مقامات غربی مطمئنا در اجرا و اعلام نتایج تقلب و یا تخلفات گسترده‌ای صورت پذیرفته است. این ادعاها به بروکسل و واشنگتن این فرصت را می‌دهد تا با دخالت و اعمال محدودیت‌های شدید، تغییرات گسترده سیاسی را به نفع منافع خود در این کشورها شکل دهند؛ سناریویی که در سال‌های پس از فروپاشی شوروی به کرات در گرجستان، اوکراین، قزاقستان و ارمنستان با شدت و ضعف و مدل‌های اجرایی متفاوتی شاهد بوده‌ایم.

اما روند رویدادهای چند روز اخیر در خیابان‌های تفلیس، اتفاقات یورومیدان کی‌یف را به یاد می‌آورد که در نوامبر ۲۰۱۳ آغاز و درنهایت در سال ۲۰۱۴ منجر به کودتا در اوکراین شد. همان تظاهرات و تظاهرکنندگان مسالمت‌آمیز که چهره‌های خود را پشت نقاب پنهان می‌کنند، همه چیز را در هم می‌کوبند و به آتش می‌کشند. مهم‌ترین دلیل و محرک شروع دور دوم اعتراضات خشونت‌آمیز پس از انتخابات پارلمانی گرجستان که در چند هفته پیش برگزار شد، تا حد بسیار زیادی اقدامات و تصمیمات مقامات حزب حاکم رویای گرجستان بود. مقامات دولتی به جای آنکه تدریجاً مخالفان را به سمت رسمیت بخشیدن به مجلس منتخب جدید سوق دهند و روند انتخاب رئیس جمهور جدید را تا پایان سال بدون اظهارنظرهای تندسیاسی به پایان برسانند، تصمیم گرفتند به واشنگتن و بروکسل چنگ و دندان نشان دهند. در ۲۸ نوامبر، ایراکلی کوباخیدزه نخست‌وزیر در یک سخنرانی غیرمنتظره و البته در تثبیت حاکمیت ملی این کشور اعلام کرد: «امروز تصمیم گرفتیم موضوع آغاز مذاکرات درخصوص الحاق به اتحادیه اروپا را تا سال ۲۰۲۸ در دستورکار قرار ندهیم و به تأخیر بیندازیم.» به گفته وی، گرجستان باید به بوروکرات‌های اروپایی نشان دهد که نه با باج‌گیری و توهین، بلکه با عزت با دولت و ملت گرجستان صحبت کنند، بنابراین برای گرجستان قاطعانه غیرقابل قبول است که پیوستن به اتحادیه اروپا را صدقه‌ای از سوی غرب بدانند. در همان روز، پارلمان اروپا قطعنامه‌ای را در مورد وضعیت گرجستان به تصویب رساند که در آن خواستار عدم به رسمیت شناختن نتایج انتخابات پارلمانی در ۲۶ اکتبر ۲۰۲۴ و همچنین برگزاری مجدد انتخابات و تحریم سیاستمداران گرجستانی از جمله پاپواشویلی رئیس پارلمان، کوباخیدزه نخست‌وزیر و ایراکلی غاریباشویلی رهبر حزب حاکم «رویای گرجستان» شد. در این قطعنامه آمده است که پارلمان اروپا هرگونه به رسمیت شناختن نتایج انتخابات پارلمانی در گرجستان را رد می‌کند و خواستار برگزاری مجدد آن ظرف یک سال در یک محیط انتخاباتی بهبودیافته و تحت نظارت دقیق بین‌المللی برای تضمین یک انتخابات واقعا منصفانه و روند شفاف انتخابات است.

تقریبا همزمان با این موضوع، بروکسل و واشنگتن به مخالفان گرجی چراغ‌سبز نشان دادند که تظاهراتی را در تفلیس و سایر شهرها راه‌اندازی کنند که در نتیجه منجر به درگیری خشونت‌آمیز با مقامات انتظامی و امنیتی گرجستان شد. نخست‌وزیر در تلاش برای فرونشاندن احساسات شعله‌ور شده گرجی‌ها در ۲۹ نوامبر (۱۱ آذر) گفت که دولت و حزب «رویای گرجستان» به مسیر ادغام اروپایی خود وفادار هستیم و در ادامه تأکید کرد گرجستان آمادگی کامل برای انجام تعهدات خود در جهت عضویت در اتحادیه اروپا دارد و اگر این مجموعه مذاکرات را تا پایان سال ۲۰۲۸ آغاز کند، تا سال ۲۰۳۰ این کشور برای عضویت در اتحادیه آماده خواهد شد.

مقامات، آینده اروپایی گرجستان را زیرسوال نمی‌برند

اما مخالفان به هیچ عنوان حاضر به شنیدن سخنان مقامات حزب حاکم نشدند و چرخ کودتا براساس برنامه‌ریزی از قبل به حرکت درآمده بود. معترضان هر روز در مرکز شهر سنگر می‌سازند، آتش می‌افروزند و به ساختمان مجلس و پلیس سنگ پرتاب می‌کنند. مخالفان از وسایل آتش‌بازی به‌عنوان شعله‌افکن استفاده می‌کنند و هر شب نیروهای امنیتی و پلیس ضدشورش جمعیت را با اسپری فلفل و ماشین‌های آب‌پاش متفرق می‌کنند و سنگرها را برمی‌چینند. علاوه بر این، همانند اتفاقات یورومیدان، این مأموران پلیس و نیروهای امنیتی هستند که از اقدامات خشونت‌آمیز معترضان در تفلیس آسیب دیده‌اند. در همین راستا، وزارت کشور گرجستان اعلام کرده که اعتراضات در نزدیکی پارلمان به طور کامل از حدود مقرر در قانون تشکیل اجتماعات و تظاهرات فراتر رفته و ماهیت کاملاً خشونت‌آمیز به خود گرفته است. اما این امر مانع از اقدامات معترضان نشده است. نیروهای اپوزیسیون با فشار بر احساسات جمعیت و تأکید بر بی‌میلی مقامات حزب حاکم برای ادامه روند ادغام در اتحادیه اروپا، به طور فزاینده‌ای بر آتش اعتراضات دمیده‌اند. بسیاری از دانشجویان به این تظاهرات پیوسته و اساتید دانشگاه تفلیس نیز اعلام کرده‌اند که از هرگونه تلاش برای خیانت به قانون اساسی و جلوگیری از روند ادغام در اتحادیه اروپا جلوگیری و همه مظاهر سرکوب اجباری اعتراضات عادلانه و مسالمت‌آمیز را محکوم می‌کنند.

در صف اول اپوزیسیون، سالومه زورابیشویلی، رئیس جمهور غربگرای گرجستان قرار دارد که اختیارات او در اواسط دسامبر، یعنی تا دو هفته دیگر به پایان می‌رسد. هرچند گرجستان یک جمهوری پارلمانی است و وظایف رئیس جمهور در آن کاملاً محدود است، اما رئیس جمهور کنونی در ارتباط با قدرت‌های غربی، قدرت مانور قابل ملاحظه‌ای یافته است. با توجه به اینکه انتخاب رئیس جمهور جدید برای ۱۴ دسامبر (توسط یک هیئت انتخابی متشکل از نمایندگان مجلس و مقامات منتخب محلی) و تحلیف او در ۲۹ دسامبر برنامه‌ریزی شده است، اقدام زورابیشویلی مبنی بر عدم به رسمیت شناختن مجلس تازه منتخب و تصمیم قاطعانه‌اش در عدم ترک پست خود، کاملاً برنامه‌ریزی شده به نظر می‌رسد. زورابیشویلی با تحریک رویارویی با حزب حاکم، در واقع در ۳۰ نوامبر دعوت به انجام یک کودتا در گرجستان را کلید زد. وی در یک نطق تلویزیونی اعلام کرد: «من رئیس جمهور شما می‌مانم! مجلس قانونی در کشور وجود ندارد. بر این اساس، مجلس غیرقانونی قادر به انتخاب رئیس جمهور جدید نخواهد بود. بنابراین، تحلیفی برگزار نخواهد شد و مأموریت من تا زمانی که یک مجلسی قانونی در کشور انتخاب نشود، ادامه دارد.» در ادامه، مخالفان دولت نیز مورد حمایت تعدادی از دیپلمات‌های بلندپایه گرجستان قرار گرفتند و برخی از آن‌ها مانند یکی از معاونان وزارت خارجه و سفرای گرجستان در بلغارستان، هلند، لیتوانی و آمریکا از ادامه فعالیت خود به نفع معترضان استعفا دادند. در همان زمان، سفیر گرجستان در لیتوانی گفت: «گرجستان اروپاست.» این دقیقا شعاری بود که در جریان رویدادهای یورومیدان کیف در سال ۲۰۱۴ داده شد: «اوکراین اروپاست.»

غرب جمعی چه می‌گوید؟

همزمان با بالا گرفتن اغتشاشات در گرجستان، وزارت امور خارجه ایالات متحده در ۳۰ نوامبر (۱۲ آذرماه) شراکت استراتژیک با گرجستان را به حالت تعلیق درآورد و اظهار داشت که مردم گرجستان به شدت از ادغام با اروپا حمایت می‌کنند. ایالات متحده استفاده بیش از حد از زور توسط پلیس علیه گرجی‌هایی را که به دنبال استفاده از حق تجمع و بیان خود، از جمله آزادی اعتراضات مسالمت‌آمیز هستند، محکوم می‌کند. وزارت خارجه فرانسه نیز در ۲۹ نوامبر اعلام کرد: «ما نگران گزارش‌های مربوط به سرکوب تظاهرکنندگان و خبرنگاران و خواستار احترام به حق تظاهرات مسالمت‌آمیز هستیم. فرانسه همراه با شرکای اروپایی خود به حفظ روابط نزدیک با مردم گرجستان و حمایت از آرمان‌های اروپایی آنها که نباید به آن خیانت کرد، ادامه خواهد داد.»

تکرار تاریخ این بار در تفلیس

در کمتر از ۱۰ سال، تاریخ در حال تکرار است؛ دقیقا با همان ابرازهایی که در وقایع اوکراین به کار گرفته شدند. ظاهرا وضعیت در گرجستان با اوکراینی شدن شرایط در لبه پرتگاه قرار گرفته است. اگر به یاد داشته باشیم که یورومیدان در کی‌یف دقیقا پس از تصمیم یانوکوویچ، رئیس جمهور سابق اوکراین، برای به تعویق انداختن امضای توافق‌نامه ارتباط با اتحادیه اروپا آغاز شد، شباهت شرایط گرجستان با اوکراین برای همه به وضوح آشکار است. از همین‌رو، نخست‌وزیر گرجستان در ۳۰ نوامبر به‌طور خاص به این موضوع اشاره کرد: «برخلاف شرایط اوکراین در سال ۲۰۱۳، گرجستان یک کشور مستقل با نهادهای قوی و مهمتر از همه، افراد با تجربه و عاقل است. سناریوی میدان اوکراین در گرجستان قابل اجرا نیست.» اما اگر مقامات گرجستان معترضان را در داخل یک چهارچوب قانونی قرار ندهند و مهار نکنند، در هفته‌های آینده می‌توان انتظار ادامه سناریوی یورومیدان اوکراین را این‌بار در تفلیس داشت؛ تصرف ساختمان‌های اداری در پایتخت و دیگر شهرهای مهم، دستیابی معترضان به سلاح گرم و در مرحله آخر تیراندازی به تظاهرات‌کنندگان و پلیس توسط تک‌تیراندازان ناشناس. در اوکراین، برای مدت ۱۰ سال است که نهادی نتوانسته تحقیق کند که چه کسی به معترضان در میدان تیراندازی کرد. ابتدا تحقیق درخصوص این موضوع تا جایی که امکان داشت به تأخیر انداخته شد تا همه آثار آن از بین برود و درنهایت تحقیق انجام‌شده کاملاً خنثی و بی‌نتیجه ماند. به نظر می‌رسد کاملاً قابل پیش‌بینی خواهد بود که تحت فشار غرب، یک بار دیگر سناریوی انقلاب رنگی، همانند آنچه یک دهه قبل در اوکراین اتفاق افتاد، در یک توافق میان مخالفان و بروکسل به کودتا در تفلیس ختم شود و انتخابات پارلمانی به اصطلاح دموکراتیک بعدی، تصرف قدرت توسط احزاب طرفدار اروپا را در گرجستان تثبیت کند.

در روزها و هفته‌های آینده مشخص خواهد شد که گرجستان کدام مسیر را طی خواهد کرد؛ مسیر استقلال و تثبیت حاکمیت ملی، یا مسیر تبدیل شدن به اوکراینی دیگر.